

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۳۱ اپریل ۲۰۲۵

ستراتیژی جدید امپریالیسم امریکا و موانع جدی مقابل آن

امپریالیسم امریکا از سال ۱۹۷۳ تا به امروز، پیوسته کاغذ سبزی به نام دالر را، بدون پشتوانه چاپ و با آن کالا وارد کرده است. لذا در این کشور بتدریج مصرف، نسبت به تولید داخلی شتاب بیشتری یافت و در نتیجه تراز تجاری منفی، به زیان این کشور به مرور زمان به یک امر مضر طبیعی تبدیل گشت.

حال ترمپ به نمایندگی از طرف راست ترین جناح سرمایه داری امریکا می خواهد از طریق افزایش تعرفه های گمرکی این روند را به نفع این امپریالیسم جهان خوار معکوس کند!

اکنون امپریالیسم امریکا به کشورهای صادرکننده از طرق و حیل مختلف فشار وارد می آورد که ارز کشورهای صادرکننده کالا به امریکا را بالا ببرد تا واردات به امریکا کاهش یابد و با افزایش تولید درونی صادرات را نیز افزایش دهد.

این روش را تا حدودی ریگان در دهه ۸۰ اعمال کرد. در اثر توافقی که او با کشورهای اروپایی - به ویژه المان و انگلستان - و نیز جاپان بر سر کاهش قیمت ارز این کشورها در مقابل دالر انجام داد، موفق گردید که تراز تجاری را به نفع امپریالیسم امریکا تغییر دهد.

اما شرایط امروز با آن زمان کاملاً فرق می کند.

اولاً برخی از کشورها نظیر چین، جاپان، هند، ویتنام، کوریای جنوبی و... به ویژه در صنایع اتومبیل، تکنولوژی و کیمیا و حتی هوش مصنوعی و... که تا کنون کارگاه تولید ارزان شرکت های امریکائی و اروپائی بودند، امروز خود به مبتکرین، مخترعین و تولیدکنندگان عمده در این عرصه ها تبدیل شده اند.

از سوی دیگر این کشورها - به ویژه چین که دولت ارز کشور را شدیداً تحت کنترل دارد - حاضر نیستند که ارزش پول ملی خود را به فرمان ترمپ افزایش و یا کاهش دهند. از این رو ترمپ با آگاهی به این امر به جنگ تعرفه ها روی آورده است.

جنگ تعرفه ها از جمله باید به گرانی کالاهای تولید خارجی و در نتیجه کاهش مصرف منجر شود. ترمپ به عبث می پندارد که اتخاذ چنین سیاستی تولید کنندگان خارجی را در نهایت وادار خواهد ساخت که مراکز تولید خود را به ایالات متحده منتقل کنند. امری که قطعاً اتفاق نخواهد افتاد.

هم اکنون امریکا می کوشد با نزدیک شدن به روسیه، ایران، عربستان و... این کشورها را وادار کند که نه تنها فروش این کالا هارا با دالر انجام دهند، بلکه حتی الامکان از فروش مواد انرژی را و سایر مواد خام به چین جلوگیری کنند و این کشور را در تنگنا قرار دهند. در حقیقت قصد ترمپ معاهده با کشورهای خام فروش و جنگ با تولید کنندگان کالا به ویژه چین است.

تا کنون واردات ایالات متحده امریکا از چین سالانه ۴۴۰ میلیارد دالر بوده است. در واقع سه برابر بیشتر از آنچه چین از ایالات متحده وارد می کرد.

هر دو کشور سالهاست که تلاش می کنند تجارت دوجانبه و وابستگی های خود را کاهش دهند، اما ایالات متحده در این کار ناموفق بوده است.

اکنون حزب جمهوریخواه تحت رهبری ترمپ می خواهد با کمک افزایش تعرفه های گمرکی، شرکت های بین المللی را وادار کند تا تولید خود را به ایالات متحده منتقل کنند. اما کارشناسان در این مورد تردید جدی دارند. این تعرفه ها و احتمالاً تعرفه های متقابل منجر به افزایش قیمت کالاهای مصرفی و محصولات واسطه ای خواهد شد.

"کورا یونگپوت" از بنیاد برتلزمن توضیح می دهد: "این به نوبه خود، تورم را تشدید می کند، قدرت خرید، مصرف و تولید و در نتیجه اقتصاد را به طور کلی به رکود می کشاند." امری که هم اکنون در شرف وقوع است.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر این نظر اند که از پس اولین دوره ریاست جمهوری ترمپ تا کنون، چینی ها از امریکائی ها بسیار آموخته تر هستند. چین علاوه بر کنترل صادرات عناصر خاکی و فلزات کمیاب و سایر مواد اولیه حیاتی، به نظر می رسد که مایل است از پول ملی خود نیز به عنوان یک ابزار سیاست تجاری استفاده کند. "یونگپوت" معتقد است که: "در واکنش به آخرین دور افزایش تعرفه ها، ارزش رنمینبی (پول رایج در چین: رنمینبی نام عمومی واحد پول چین و یوان نیز نام واحدی از آن ارز است-توفان) اندکی کاهش یافت تا صادرات چین جذاب تر شود"

دولت چین نمی خواهد چه در داخل و چه در خارج ضعف نشان دهد. در این میان ایالات متحده در درجه اول برای حفظ هژمونی اش بر جهان با رویکرد کاملاً ملی گرایانه "امریکا اول" وارد این کارزار تجاری شده است.

البته اقتصاد چین نیز تا حدودی در معرض خطر است. اقتصاد چین با برخی دشواری های ساختاری روبه روست: بخش املاک و مستغلات مدتهاست که در بحران به سر می برد، بیکاری جوانان در شهرها رو به ازدیاد است، مصرف روبه کاهش است و....

مدل اقتصادی صادرات محور چین که اکنون بشدت تحت تأثیر جنگ تجاری با ایالات متحده امریکا - که مقصد صادراتی شماره یک چین است - قرار گرفته است، برای این کشور مشکل برانگیز شده است. برنامه های یارانه ای دولتی چین در عرصه تولید نه تنها در ایالات متحده امریکا مورد انتقاد قرار می گیرند، بلکه اتحادیه اروپا برای مقابله با این روش چین تعرفه های جبرانی بر خودروهای برقی تولید شده در چین وضع کرده و در حال بررسی گسترش این تعرفه ها به سایر بخش هائی است که در آنها در اثر سیاست یارایانه ای چین، شرایط رقابتی نابرابر حاکم است. حتی اقدامات مشابهی در کشورهای جنوب جهان مانند برزیل، هند، اندونزی و ترکیه نیز وجود دارد.

حتی روسیه هم در تلاش است تا از خود در برابر واردات رو به رشد خودروهای چینی دفاع کند.

سؤال اینست که چین در میان مدت باید این کاستی ها را از کجا تأمین کند و این برای توسعه اقتصادی چین چه معنائی دارد؟ "یونگپوت" معتقد است که بیجینگ باید فوراً به این سؤالات پاسخ دهد:

۱- مردم چین چه فکری می کنند؟

سیاست کنونی تجاری امریکا، تنها برای رهبری چین تعجب آور و غیر قابل فهم نیست، بلکه مردم چین نیز به همان اندازه نگران تشدید احتمالی تشنج و پیامدهای اقتصادی مرتبط با آن هستند. یک شهروند چینی این حال و هوا را اینگونه توصیف می‌کند: "ما اقدامات ترمپ را یک اقدام پرخاشگرایانه غیرضروری تلقی می‌کنیم." مردم همچنین نمی‌توانند درک کنند که چرا ایالات متحده می‌خواهد آن نوع تولید دستی را که خود چین آن را نشانه‌ای از توسعه نیافتگی می‌داند و می‌خواهد بر آن غلبه کند، احیاء کند. این موضوع همچنین در پیام‌های متعددی که اخیراً توسط مردم چین در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده است، انعکاس یافته است. برای مثال، آنها ارتشی از کارگران را نشان می‌دهند که کلاه‌هایی با نوشته: "امریکا را دوباره بزرگ کنیم" بر سر دارند و در یک سالن کارخانه مشغول به کار اند. آنها آیفون‌ها را مونتاژ می‌کنند در حالی که ترمپ بر آنها نظارت دارد!!

هدف از این اقدامات خصمانه امپریالیسم امریکا محافظت از صنعت ایالات متحده در برابر رقباء و انباشت میلیاردها دلار از طریق افزایش گمرک و کاهش مالیات است.

در صورتی که طبق قوانین سازمان تجارت جهانی، این اقدامات غیرقانونی است و حتی با قوانین اتحادیه اروپا نیز سازگار نیست.

اما برای ترمپ اهمیتی ندارد. همانند سیاست نظامی و امنیتی امپریالیسم امریکا در جهان. او نه تنها در تلاش است تا قوانین اقتصاد را تغییر دهد، بلکه کل عرصه بازی را واژگون کند، حتی اگر این به معنای ایجاد زلزله‌ای در بازار سهام و بورس باشد که بر اقتصاد ایالات متحده تأثیر منفی شدید خواهد گذاشت.

بهترین رویکرد بدیهی که برای تقریباً همه کشورها جهان باقی می‌ماند این است که به تجارت به شیوه مشابه امنیت نگاه کنند، یعنی وابستگی کمتری به ایالات متحده داشته باشند، محصولات امریکائی کمتری بخرند و سرمایه‌گذاری را در امریکا کاهش دهند.

امانوئل مکررون، رئیس جمهور فرانسه، پیشنهاد می‌دهد، اروپا باید با شعار خودش، یعنی "اروپا اول" در مقابل جنون ترمپ در رابطه با "امریکا اول" بایستد.

اما به دیده ما به دلیل سیاست بغایت انحرافی، خطرناک و ارتجاعی تاکنونی که اتحادیه اروپا در مسأله جنگ اوکراین اتخاذ کرده است عملاً خود را بیش از پیش به امپریالیسم امریکا وابسته کرده است و امروز فرار از تله ترمپ مشکل زاست.

برخی از کشورهای اتحادیه اروپا خواهان تهدید به انتقام‌جویی از اقدامات ترمپ هستند. به همین دلیل برخی از آنها معتقدند که خدمات دیجیتال می‌توانند به عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار در نظر گرفته شوند. ایجاد یک سیستم دیجیتال در اروپا می‌تواند درآمد جدیدی را برای اتحادیه اروپا تضمین کند و در عین حال بر ایلان ماسک و دیگر الیگارش‌های قدرتمند امریکائی نیز فشار وارد کند. به این امید که در نهایت ترمپ تسلیم شود.

در جلسه وزرای تجارت اروپا در لوکزامبورگ، رابرت هابک، وزیر اقتصاد المان، نیز از این گزینه حمایت کرد و خواستار بررسی آن شده است. علی رغم این، ایرلند با این اقدام مخالفت کرد، زیرا بسیاری از شرکت‌های فناوری امریکائی دفتر مرکزی اروپائی خود را در آنجا دارند و دولت ایرلند از آنها مالیات دریافت نمی‌کند. از آنجا که مالیات دیجیتال در این کشور از سوی سایمون هریس معاون نخست وزیر این کشور وضع می‌شود، او به جای اخذ مالیات، معتقد است که "به جای تشدید تشنج، باید مذاکره کرد!"

به دیده ما هر کس که بخواهد وضع موجود را حفظ کند، سیاست هویج و چماق را انتخاب کرده است.

کاری که "فون در لاین" رئیس کمیسیون اروپا انجام می دهد: او می خواهد از یکطرف با تعرفه های متقابل فشار را افزایش دهد، اما در عوض تجارت آزاد برای کالاهای صنعتی را پیشنهاد می دهد. ترمپ اما آنها را رد کرده و می گوید که "پیشنهاد به اندازه کافی خوب نیست." اساساً هر پیشنهادی که خلاف نظر او باشد "به اندازه کافی خوب نیست!!" در دوران ریاست جمهوری جو بایدن، سلف ترمپ، اتحادیه اروپا به امپریالیسم امریکا وابسته تر شده است. این فقط در مورد کالاهای صنعتی صدق نمی کند. بلکه به طور کلی ایالات متحده امریکا به مهمترین شریک تجاری المان تبدیل شده است. این امر به ویژه در مورد انرژی صادق است. امپریالیسم امریکا بعد از جنگ اوکراین و تحریم روسیه، فروش گاز مایع خود را جایگزین سوخت فسیلی روسیه، به عنوان تأمین کننده اروپا کرد و عملاً بازار پرسود فروش انرژی به اروپا را به انحصار خود در آورد.

ترمپ اکنون می خواهد گاز و نفت کثیف تری، که به طور عمده از طریق فرکینگ به دست می آید را به اتحادیه اروپا بفروشد. او با خوشحالی می گوید که این امر عدم تعادل در تجارت را حل خواهد کرد! طبیعی است که این امر از یک طرف، وابستگی اتحادیه اروپا را افزایش می دهد، و از سوی دیگر، کسری بودجه ایالات متحده را ترمیم می کند. اکنون که امپراطور کاخ سفید پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و می خواهد از سیستم تجارت جهانی جدا شود، به پاسخ های دیگری نیاز است. اتحادیه اروپا می تواند برای ایجاد اتحادیه های تجاری جدید تلاش کند. نه تنها چین مناسب ترین شریک تجاری محسوب می شود، بلکه کشورهای امریکای جنوب "مرکوسور" و سایر کشورهای جنوب نیز آماده هستند.

کارشناسان معتقدند که گزینه منفعلانه دیگر این است که اروپا هیچ کاری نکند و با این امید منتظر بماند تا امواج شوک جنگ تجاری به ایالات متحده بازگردد و ترمپ را از کرده خود پشیمان سازد! تا کی اروپا می تواند بار این فشار را برای زمان نا معلوم تحمل کند؟ پس لرزه ها و اثرات جانبی چنین روندی، اروپا را شدیداً تحت فشار قرار خواهد داد. بی تفاوت نشستن و به روال معمول ادامه دادن گزینه نیست. پاسخ هایی که تاکنون از بروکسل رسیده، از موضع ضعف و تدافعی است؛ آنها در مورد سیاست های مخرب ترمپ مایلند منصفانه عمل کنند! در صورتی که باید در مقابله با جنگ کثیف امریکا با سرعت مسیر نزدیکی به کشورهای جنوب جهان را ببیمایند.